



**The Principle of Immediate Execution of Contractual Obligations
In Imamiyyah Jurisprudence and Principles of International
Commercial Contracts**

Seyied Yaqoob Arefi

PhD Candidate in Private Law, Academic Staff, Department of Law, Faculty of Law and Political Science, Khatam al-Nabieen University
Arifi.edu.af@gmail.com

Abstract

The principle of immediate performance of contractual obligations is a fundamental goal in both domestic and international contracts, which has been addressed in both Shia jurisprudence (Fiqh Imamieh) and the principles of international commercial contracts. This paper, employing a library-based study and a descriptive-analytical approach, demonstrates that Shia jurisprudence benefits from several key advantages: "clarifying the structure of the conceptualization of this principle," "explicitly stating the principle of the immediate performance of contract terms," "the urgency of executing contractual obligations without dependence on a demand for performance," and "conditioning the acceptance of early performance on the absence of disproportionate harm to the obligee." By adopting a more contemporary and realistic perspective, Shia jurists can enhance the effectiveness and applicability of legal rulings in today's fast-paced commercial transactions by referencing sources such as "commercial customs and practices" and by incorporating the condition of immediate performance, which is emphasized and advocated by UNIDROIT.

Keywords: Shia jurisprudence, UNIDROIT, commercial contracts, immediate performance, condition of urgency, demand for performance



اصل اجرای فوری تعهد قراردادی در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین المللی

سید یعقوب عارفی*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۳/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۳۰

چکیده

اصل اجرای فوری تعهد قراردادی، یکی از هدف‌های واقعی و اصلی در قراردادهای ملی و بین‌المللی است که فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بر آن توجه کرده‌اند. با استفاده از مطالعه‌ی کتاب‌خانه‌ای و روش توصیفی-تحلیلی این نوشته بر آن است که فقه امامیه از مزیت «بیان ساختار مفهوم‌یابی این اصل»، «تصریح به اصل اجرای فوری مفاد عقد»، «فوریت اجرای تعهد معاملاتی بدون وابستگی بر مطالبه‌ی ایفا»، «منوط کردن پذیرش اجرای زود هنگام به نبود زیان نامتعارف برای متعهدله» بهره‌مند است و فقیهان امامیه می‌توانند با نگاه تازه‌تر و واقع‌بینانه‌تر به منابعی، مانند: «عرف‌های تجاری و رویه‌های بازرگانی» و «تأسیسی گرفتن شرط اجرای فوری تعهد قراردادی» که یونیدروا بر آن‌ها تأکید و تمایل دارد، بر اثربخشی و کارایی احکام فقهی در معاملات شتاب‌ناک بازرگانی امروزی بیفزایند.

واژگان کلیدی: فقه امامیه، یونیدروا، قراردادهای تجاری، اجرای فوری، شرط فوریت، و مطالبه‌ی ایفا.

*کاندید دکترای حقوق خصوصی، کدر علمی دیپارتمنت حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خاتم النبیین (ص)

مقصود از «اصل اجرای فوری تعهد قراردادی در فقه امامیه و یونی‌دروا»، مطالعه‌ی تطبیقی «مفهوم، مستندات، شرط فوریت، نقش مطالبه‌ی ایفا، و اجرای زود هنگام مفاد عقد» از نگاه فقیهان جعفری و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی است. البته، «انجام هر چه زودتر تعهد پس از تشکیل قرارداد» هدف اصلی و مراد واقعی بسیاری معاملات بازرگانی را شکل می‌بخشد، زیرا تاجران تلاش دارند که زودتر از برابند معامله بهره‌مند گردند و قراردادهای تازه‌تری را برگزار سازند. از طرفی در نگاه فقیهان امامیه، اثربخش‌ترین و کاراترین و عادلانه‌ترین اصول و ملاک‌های ایفای تعهدات قراردادی از فقه امامیه دریافت‌پذیر است، اصل‌ها و معیارهای که عدالت معاوضی و اجرای فوری عادلانه‌ی تعهدات معاملاتی را تأمین می‌کند. از سوی دیگر، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی «نماینده و نمایاننده‌ی پیوند هم‌خواهانه‌ی دیدگاه‌ها، عرف‌ها و رویه‌های تجاری نظام‌های گوناگون حقوقی است که حاصل مطالعات گسترده و آخرین تلاش فکری بشری در خانواده‌های بزرگ حقوقی را نشان می‌دهد که توسط مؤسسه‌ی بین‌المللی یک‌سان‌سازی حقوق خصوصی رم (یونی‌دروا) انجام پذیرفته است و می‌تواند الگوی مناسب قراردادهای در سراسر جهان باشد. اولین نسخه‌ی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در سال ۱۹۹۴ و آخرین اصلاح آن در سال ۲۰۱۶ انتشار یافت. این اصول، قواعد کلی فراگیرنده‌ی مقررات مربوط به قراردادهای بازرگانی و مدنی است که در زمینه‌ی اجرای فوری تعهدهای قراردادی هم احکامی را آشکار می‌سازد. مطالعه‌ی توصیفی و مقایسه‌ی تحلیلی «اصل فوریت اجرای تعهد»، هرگز ادعا ندارد که راه روشن و تازه‌ای را بر نسبت‌سنجی و داوری معاملاتی ارایه کند، ولی می‌تواند این فرضیه را به میان آورد که «مقایسه‌ی اصل اجرای فوری تعهد قراردادی در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی»، به مطالعه‌ی تطبیقی حقوقی در ساحت فوریت اجرای تعهد یاری می‌رساند.

پیرامون اجرای فوری تعهدات قراردادی، نخست باید «موضوع‌شناسی» داشت، و انگاه «مستندات» آن را بیان کرد، از «تأسیسی و تأکیدی بودن شرط فوریت اجرای تعهد»، «تأثیر مطالبه‌ی ایفا در فوریت اجرا» و «اجرای زود هنگام تعهد معاملاتی» در سرای سنجش اصول قراردادهای تجاری و فقه امامیه پرده برداشت، و مطالب را در تقسیم‌بندی ذیل پی‌گیری و ردیابی کرد:

مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد	مستندات اصل فوریت اجرای تعهد	شرط فوریت اجرای تعهد	نقش مطالبه‌ی ایفا در فوریت اجرای تعهد	اجرای زودهنگام تعهد قراردادی
----------------------------------	------------------------------------	-------------------------	---	------------------------------------

۱- مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد

دامنه‌ی «مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد قراردادی» بر شیوه و گستره‌ی زمانی انجام تعهد تأثیرگذار است، برای همین، این بحث نیازمند موضوع‌شناسی و مفهوم‌کاوی است، و باید گذری و نظری بر مفهوم آن در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی داشت:

۱-۱) مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه

مراد از اصل اجرای فوری تعهد آن است که مورد تعهد قراردادی باید بدون فاصله‌ی عرفی پس از تشکیل قرارداد (یا پس از مطالبه‌ی ایفای مفاد قرارداد از سوی متعهدله) و در کوتاه‌ترین زمان ممکن متعارف به اجرا رود (نجفی، ۱۴۰، ج ۲۳، ص ۱۴۴. فاضل ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۶۴). اگر مورد تعهد، عین معین باشد، متعهد آن را پس از تشکیل قرارداد به متعهدله تسلیم کند و اگر کلی باشد، بدون گذر زمان، مورد تعهد را تعیین و در اختیار متعهدله قرار دهد و اگر بر «انجام عمل» یا «ترک عمل» قرارداد بسته باشند، متعهد پس از تشکیل معامله باید بدون فوت فرصت عرفی به انجام یا ترک آن بپردازد.

بیش‌تر فقیهان امامیه این اصل را در مسأله‌ی «پیراستگی عقد از قید خواهان فوریت اجراست؛ اطلاق العقد یقتضی النقد» به بحث سپرده‌اند. مقصود از «اطلاق» در این جا، «وابسته‌نبودن وفای مفاد عقد به شرط تأخیر در عین معین، و تأجیل در کلی» است (کاشف‌الغطاء ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۱۹۶). «یقتضی»، سببیت عقد برای اجرای فوری مورد تعهد، به دلالت تضمینی، یعنی تبادل و تسلیم موردها (علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۵۱) یا التزامی و به یاری حکم عقل یا عقلا (سبحانی تبریزی ۱۴۱۴، ص ۶۴۷. حسینی عاملی ۱۴۱۹، ج ۱۴، ص ۶۸۹) را نشان می‌دهد، و «النقد» را قاموس‌نگاران، «پرداخت و خلاف تأخیر» (مرتضی زبیدی ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۲۸۲) و فقیهان، آن را «جواز مطالبه‌ی مورد تعهد» (شهیدی تبریزی ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۶۰۰)، «تملك بدون حق تأخیر از سوی طرف دیگر» (طباطبایی قمی ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۰) و «روا نبودن تأخیر» (انصاری ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۹۸) معنا

کرده‌اند که همه اجرای فوری مورد تعهد را نشان می‌دهند. برای همین برخی از آنان از عبارت روشن‌تری «ان إطلاق العقد يقتضي التعجيل» استفاده کرده‌اند (اشتهاردی ۱۴۱۷، ج ۲۵، ص ۴۳). نیازی به یادآوری نیست که اصل اجرای فوری شامل تمام معاملات معوض می‌گردد و اختصاص به بیع ندارد (جمعی از پژوهشگران ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۹۲). به هر روی، میان فقیهان معروف است و سخنی نیست که هرگاه عقد، برهنه از شرط و قید تأخیر باشد، خواستار وجوب اجرای فوری مفاد خود (تعهدات قراردادی) است (سبحانی تبریزی ۱۴۱۴، ص ۶۴۷). این اصل با دو استثنای مهم رویاروست. در واقع، از نگاه فقه اسلامی، جریانگاه اصل اجرای فوری تعهد، به دو «فقدان» وابستگی دارد: «فقدان توافق بر زمان اجرا» و «فقدان داوری عرف در تعیین زمان»:

استثنای اول: وجود توافق بر خلاف اصل: هرگاه زمان اجرای تعهد در هنگام عقد تعیین شده باشد، زمان اجرا همان زمان تعیین‌شده‌ی توافقی است. متعهد موظف است که در همان زمان تعهد را انجام دهد (علامه حلی ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۳۲۳. جمعی از پژوهشگران ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۱۹۲) و تفاوتی میان مدت کوتاه و طولانی نخواهد بود (شهید ثانی ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۲۳). هرچند این دیدگاه از جهاتی نتوانسته است دور از تیررس نقد بماند (روحانی ۱۴۳۵، ج ۲۶، ص ۱۲۴ و ۱۲۵).

استثنای دوم: عرف بر خلاف: هرگاه قانون یا عرف و عادت مسلم، بر تعیین زمان اجرای تعهد وجود داشته باشد، به عنوان اراده‌ی ضمنی اطراف قرارداد، معیار قرار می‌گیرد (آل‌کاشف‌الغطاء ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۳۸)، مانند: قرارداد برای ساختن ساختمان که در پاره‌ی عرف‌ها از زمان خاص (فصل بهار) آغاز می‌شود. هم‌چنین اگر عادت اطراف قرارداد آن بوده که معاملات‌شان با تأخیر (مثلاً شش ماه پس از تشکیل قرارداد) مورد اجرا قرار می‌گرفته است، همان عادت غالب معیار است (موسوی خوانساری ۱۳۵۵، ج ۳، ص ۱۸۱). البته، داوری عرف با نگاه به طبیعت موضوع تعهد، زمان اجرای تعهد را معرفی می‌کند. هم‌چنین، عرف و عادت در تعیین زمان اجرای تعهد، جنبه‌ی طریقت به اراده‌ی مشترک اطراف عقد دارد، آنان اهل عرف بوده و به زبان عرفی معامله بسته‌اند و نمی‌توان گفت که اهل معامله روش جداگانه از شیوه‌ی عرف دارند (قزوینی ۱۴۲۴، ج ۵، ص ۵۸۸).

۲-۱) مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

اصل اجرای فوریت در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، معنای جداگانه ندارد. در ماده‌ی ۱-۱-۶ یونیدروا آمده است: «هر طرف باید تعهداتش را به نحو زیر اجرا کند: الف: اگر در قرارداد به طور قطعی زمانی تعیین شده یا زمان از قرارداد قابل احراز است، تعهدات باید در آن زمان اجرا شوند؛ ب: اگر مدت زمانی به طور قطع در قرارداد تعیین شده یا از قرارداد قابل احراز است، در هر زمانی در طی آن مدت زمان، مگر این که اوضاع و احوال دلالت بر این داشته باشد که قرار است طرف دیگر زمانی را انتخاب کند؛ ج: در هر مورد دیگری در طی زمانی پس از انعقاد قرارداد». هرچند، برخی باور دارند که سه زمان تعیین شده است (UNIDROIT 2004,p151)، ولی به نظر می‌رسد که ماده‌ی مذکور، برای اجرای تعهد، چهار هنگامه را بیان کرده است:

- تعیین زمان خاص واحد برای اجرای تعهد: اطراف قرارداد صریحانه توافق نمایند یا قراینی وجود داشته باشد که تعهد در ساعت هشت صبح ماه جاری اجرا شود، همان زمان خاص معین معیار اجراست.

- تعیین زمان خاص دامنه‌دار: طرف‌های قرارداد، تصریح کنند از قراین فهم شود که تعهد در گذر سال آینده (از آغاز تا فرجام سال) اجرا شود، متعهد تا پایان مدت فرصت انجام تعهد را دارا خواهد بود.

- تعیین زمان اجرا توسط یکی از دو طرف: اجرای تعهد به انتخاب دیگری واگذار شود، هر زمان متعارف را آن طرف برگزید، معیار زمان اجراست.

- عدم تعیین زمان خاص: در صورت فقدان حالت فوق، اجرای تعهد باید در مدت زمانی پس از تشکیل عقد صورت گیرد.

می‌توان از ماده‌ی ۴-۱-۶ یونیدروا، هم اجرای فوری هم‌زمانی تعهدات را دریافت نمود و اگر یک طرف نتواند تعهدات را زودتر انجام دهد، طرف دیگر باید به انجام زودتر اقدام کند.

در این ماده که پیرامون ترتیب اجرای تعهدات است، آمده است: «(۱) به میزانی که اجرای هم‌زمان تعهدات طرفین ممکن باشد، آن‌ها ملتزم به چنین اجرایی هستند مگر این که اوضاع و احوال، برخلاف آن دلالت کند. (۲) به میزانی که اجرای تعهد از سوی فقط یکی از طرفین،



نیازمند مدت زمانی باشد، آن طرف ملتزم است که ابتدا تعهداتش را انجام دهد، مگر این که اوضاع و احوال، برخلاف آن دلالت کند».

بند "ج" ماده‌ی ۱-۱-۶ یونیدروا، به دشواری «اصل فوریت اجرا» به همان معنا که در فقه امامیه وجود دارد، دریافت می‌شود، زیرا عبارت «در هر مورد دیگری در طی زمانی پس از انعقاد قرارداد»، مدت زمانی را نشان می‌دهد که متعهد می‌تواند در گذر آن، به اجرای تعهد اقدام کند (مؤسسه‌ی بین‌المللی یک‌نواخت کردن حقوق خصوصی ۱۳۹۶، ص ۲۴۰ - ۲۴۲).

۱-۳) مقایسه‌ی مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه و یونیدروا

نسبت‌سنجی «مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد» در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، در برداشت ابتدایی و تأملی تفاوت خواهد داشت:

۱-۳-۱) نسبتِ ملکه و عدم ملکه (بیان و عدم بیان): از جهت در برداشت ابتدایی میان مجموع دیدگاه فقیهان امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی تباین (از نوع ملکه و عدم ملکه) است. فقیهان امامیه در مجموع، به اصل فوریت ایفای تعهد (در حالت فقدان توافق و عرف) تصریح کرده‌اند، در حالی که چنین تصریحی در اصول یونیدروا مشاهده نمی‌شود، شأنیت آن را داشت که در این اصول، این اصل هم اشاره شود.

۱-۳-۲) عموم و خصوص مطلق: بسیار دور از ذهن می‌نماید که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، چنین اصل مهم و تأثیرگذار در سرنوشت قرارداد را فراموش کرده باشد، شاید عنایت بر بداهت آن باشد. با تأمل در ماده‌های ۱-۱-۶ و ۴-۱-۶ یونیدروا نسبت عموم خصوص مطلق چهره می‌گشاید. اصل فوریت در یونیدروا عمومیت دارد، انجام تعهد بدون فاصله یا با فاصله از تشکیل قرارداد، یعنی در «طی زمانی پس از انعقاد قرارداد» را فرا می‌گیرد، در حالی که در فقه امامیه، بدون فاصله‌ی عرفی پس از انعقاد عقد باید اصل فوریت به اجرا رود و «گذر زمانی پس از تشکیل قرارداد و فوریت دامن‌دار» را ندارد.



مفهوم اصل اجرای فوری تعهد قراردادی

منظر	مفهوم	دلیل
فقه امامیه	ایفای تعهد بدون فاصله‌ی عرفی پس از تشکیل قرارداد	اقتضای اطلاق عقد به دلالت تضمینی یا التزامی.
	استثناها: فقدان توافق و فقدان تعیین عرفی بر خلاف اصل اجرای فوری تعهد.	اصل ارادی بودن قراردادها و اصل امضایی بودن قراردادها.
اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی	تعیین چهار هنگامه: - تعیین زمان خاصّ واحد برای اجرای تعهد - تعیین زمان خاص دامنهدار برای اجرای تعهد - تعیین زمان اجرا توسط یکی از دو طرف برای ایفای تعهد - عدم تعیین زمان خاص برای اجرای تعهد	داوری عرفها و رویه‌های بازرگانی در سراسر جهان.
	برایند: نسبت ملکه و عدم ملکه در برداشت ابتدایی، و نسبت عموم و خصوص مطلق در برداشت تأملی.	- اصل ارادی بودن قراردادها؛ - اصل عرفی بودن قراردادها.

۲- مستندات اصل فوریت اجرای تعهد

اصل فوریت اجرای تعهد در دامان دلایل روییده و قامت اصل گرفته است. مهم‌ترین مستندات آن در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مورد اشاره قرار می‌گیرد:

(۲-۱) مستندات اصل فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه

فقیهان امامیه، «اصل فوریت اجرای تعهد» را بر دلایل ذیل بنا نهاده‌اند:

(۲-۱-۲) دلالت روایت بر فوریت اجرای تعهد

با امکان استفاده‌ی اصل اجرای فوری تعهدات قراردادی از عمومات آیات قرآنی (مانده ۱/، اسراء/۳۴)، از میان روایات گوناگون، می‌توان اشاره کرد: شخصی، کنیزی را به بهای معینی از



مردی خریداری می‌کند و اطراف عقد از هم جدا می‌شوند. حضرت می‌فرماید: «بیع لازم شد... و چنان چه شرطی نکرده باشند، قرارداد نقد است». این روایت، فوریت اجرای مورد تعهد را نشان می‌دهد و باید مورد را فوراً به مالک تسلیم نماید (کلینی ۱۳۸۷، ج ۱۱، ص ۷۹ و ۸۰).

۲-۱-۲) دلالت قاعده‌ی سلطنت بر فوریت اجرای تعهد

با تشکیل قرارداد، هر کدام از دو طرف به مورد عقد، مالکیت کنونی و تسلط فعلی پیدا می‌کنند؛ وانگهی، ادله‌ی سلطنت مردم بر اموالشان، متعهد را وادار می‌سازد که در نزدیک‌ترین زمان ممکن، مال دیگری را به صاحب آن برگرداند، وگرنه مزاحمت در راه سلطنت مالک ایجاد کرده که به حکم عقل ناپسند است (اصفهانی ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۳۳۴). البته، تفاوتی نخواهد داشت که مورد تعهد، مال معین باشد یا کلی در ذمه (شیرازی ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۸۸). باید افزود: هرگاه مورد عقد تملیکی، «عین معین» باشد، در حاکمیت قاعده‌ی

سلطنت بر اجرای فوری تعهد قراردادی سخنی چندانی نخواهد بود. اگر موضوع تعهد، «عین کلی» در ذمه» باشد، هرچند از دید مشهور فقیهان امامیه، وفای به عهد، با «تعیین مصداق و تسلیم به مالک» صورت می‌پذیرد، نه صرف تعیین مصداق مال کلی بدون تسلیم

(بجنوردی ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۱۹۰ و ۱۹۱. سیستانی ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۷۸)، ولی به سبب عقد تملیکی، «مال کلی» (بدون خصوصیات فردی و مصداقی) بر ذمه‌ی طرف معامله قرار می‌گیرد، شخص بر «مال واقع در ذمه‌ی طرف» سلطنت می‌یابد و طبق قاعده‌ی سلطنت باید در کوتاه‌ترین زمان عرفی، آن مال را تعیین و به مالک تسلیم نماید و فراغت ذمه یابد. همین

سخن را می‌توان به نحوی در قراردادهای مربوط به «عمل معین» یا «عمل کلی» بدون مباشرت شخص (جریان داد، چون فقیهان، «اعمال سلطنت بر ذمه» را طرح کرده‌اند (صدر ۱۴۳۴، ج ۲۱، ص ۲۹۱)، «قاعده‌ی سلطنت بر حقوق» را همسان «قاعده‌ی سلطنت بر

اموال» گرفته‌اند (حکیم ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۵۲، ج ۹، ص ۳۶ و ۱۶۹، ج ۱۲، ص ۲۰۴ و ۴۴۸)، و نادیده‌گیری سلطنت در هر دو حالت موجب «تضییع حق و مال غیر» است (همان، ج ۱۰، ص ۲۴۷). ماجرای کلی در ذمه (عمل اجیر و مسایلی از این دست) را به «سلطنت بر

نفس» برگردانده‌اند (بحر العلوم ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۳۶). قاعده‌ی سلطنت بر نفس را از مسیر مفهوم اولویت از سلطه‌ی بر مال دریافت داشته و اشتغال ذمه‌ی اجیر به عمل را از این راه توجیه داده‌اند (حکیم ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۵۴). با قرارداد همین سلطه به طرف واگذار می‌شود.



در فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌الملل
اصل اجرای فوری تعهد قراردادی





بلکه، بسا «مال»، مثال و عنوان مشیر برای هر چیزی است که شخص سلطنت و استیلا بر آن دارد، پس سلطه‌ی بر نفس و بر اعمال آدمی را هم فرا می‌گیرد (ایروانی ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۷۳). وانگهی، اگر این توضیح نتواند اصل فوریت اجرای تعهدهای قراردادی را در صحنه‌ی کلی در ذمه یا قراردادهای غیر تملیکی توجیه نماید، ناگزیر باید از دلیل‌های «لزوم فوریت فراغت ذمه» یاری گرفت.

۳-۱-۲) لزوم فوریت فراغت ذمه و عهده

با تشکیل قرارداد، ذمه‌ی یک‌طرف به حقِ جانبِ مقابل مشغولیت می‌یابد. چنین حالتی، مجرای قاعده‌ی «مشغولیت ذمه، خواستار فراغت ذمه است» را فراهم می‌سازد. این قاعده اختصاص به تکالیف تعبدی الاهی ندارد، در روابط قراردادی مردم هم جریانگاه دارد، زیرا دلیل قاعده را «حکم عقل به لزوم فراغت» دانسته‌اند و افزوده‌اند: همه‌ی خردمندان بر آن تطابق دارند، فقیهان و اصولیان آن را از «مسلمات» گرفته‌اند (تسخیری ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۳۹۷). پس هرگاه ذمه به تعهدات قراردادی مشغول باشد، خرد به ایفا و فراغت عهده یا ذمه دستور می‌دهد. همان عقل که حکم به «وجوب فراغت ذمه» دارد، به «لزوم فوریت فراغت ذمه» هم حکم می‌کند، چون «فوریت فراغت ذمه و عهده» مورد پسند عقل و توافق خردمندان است. فقیهان تصریح کرده‌اند: هرگاه ذمه‌ی شخص به مال دیگری مشغول شود، پیراستگی ذمه و تأدیبه‌ی مال غیر ضرورت دارد، چه صاحب آن را مطالبه کند یا درخواست اجرای فوری نداشته باشد، زیرا مطالبه نکردن اجرای تعهد، بسا بر بستر غفلت و تسامح سر می‌سپارد، کاشفیت از رضایت به تأخیر ندارد (خویی ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۵۴۷).

۴-۱-۲) شرط ضمنی بودن فوریت اجرای تعهد

گروهی از فقیهان، باور دارند که وجوب ایفای فوری تعهد قراردادی، از قبیل شرط ضمن عقد است. هنگامی دو طرف، زمان اجرای مورد تعهد را مقید به زمان خاص نمی‌سازند، گویا شرط ضمنی بنایی دارند که مورد تعهد، فوراً به اجرا رود (روحانی ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۴۵۱). فراتر از این، گروهی از فقیهان، اصل فوریت اجرای تعهد را مقتضای اطلاق عقد دانسته‌اند (علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۲۵۱. طباطبایی قمی ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۰۰). از سخن آنان دریافت می‌شود که عقد هم بر تبادل موردها و هم بر فوریت اجرای تعهد دلالت دارد.

۲-۲) مستندات اصل فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

به نظر می‌رسد (بر فرض استفاده‌ی فوریت از ماده‌ی ۱-۶ یونیدروا) که فوریت اجرای تعهد در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی زمانی معنا می‌یابد که طرف «در طی زمانی پس از انعقاد قرارداد» از اجرای تعهد کوتاهی ورزد و آن را به تأخیر اندازد. باری، وظیفه‌ی متعهد، به اجرای تعهد در مدت معقول از دلایل ذیل بنیان می‌گیرد:

۱-۲-۲) روش بازرگانان در فوریت اجرای تعهد

روش بازرگانان، بلکه بنای خردمندان در سراسر عالم چنین است که اطراف قرارداد را در تعهدات برآمده از معاملات معاوضی ملزم می‌بیند که در مدت معقول، برای اجرای تعهد اقدام کند. ماده‌ی ۹-۱ یونیدروا، هم رعایت «عرف توافق‌شده میان اطراف قرارداد» و هم رعایت «عرف عام تجاری» را وظیفه‌ی هر دو طرف تعهد معرفی می‌کند، زیرا قانونی بودن عرف توافقی را در جای می‌پذیرد که چنان عرفی «غیر متعارف» نباشد. عرف تجاری نسبت به زمان اجرای تعهد، چنان است که در صورت نبود توافق یا عرف خاص، اجرای تعهد را پس از تشکیل قرارداد، ضروری می‌داند و تأخیر را ناروا می‌شمارد.

اساساً اجرای فوری متعارف تعهد از نفس قرارداد، دریافت پذیر است و از تعهدات ضمنی شمرده می‌شود. نفس تشکیل معامله دلالت دارد که در انجام تعهد، نباید تأخیر نامتعارف صورت گیرد. ماده‌ی ۵-۱-۲ یونیدروا، «معقول و متعارف بودن»، «ماهیت و مقصود از قرارداد» را از منابع تعهدات ضمنی برمی‌شمارد، ماهیت و مقصود قرارداد نمایانگر است که اجرای تعهد از زمان معقول و متعارف فراتر نرود.

۲-۲-۲) اصل حسن نیت

با وجود بحث‌های دامنه‌دار پیرامون «اصل حسن نیت» در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (احمدی و دیگران ۱۴۰۲، ص ۱۷۹. Ulrich Magnus ص ۴۵-۴۸)، حسن نیت به عنوان یک اصل اساسی و بنیانی در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی مطرح است. یکی از استادان حقوق، نگاشته‌اند: «حسن نیت در ایفای تعهد، مورد قبول همه‌ی حقوق‌دانان و حتی می‌توان گفت که مورد پذیرش همه‌ی نظام‌های حقوقی دنیای متمدن است» (بهرامی احمدی ۱۳۹۰، ص ۶۲۲). ماده‌ی ۷-۱ یونیدروا، آن را بنیاد سایر اصول معرفی می‌کند: «هر طرف قرارداد در تجارت بین‌المللی باید مطابق

حسن نیت و معاملی منصفانه رفتار نماید. اطراف قرارداد نمی‌توانند این وظیفه را مستثنا یا محدود سازند». باری، حتا در غیاب مقررات خاص، اصل حسن نیت اهمیت خاص دارد (UNIDROIT 2004,p18) و در همه‌ی قراردادها باید درک شود (UNIDROIT 2016,p20). اگر حسن نیت، در این جا، «رفتار صادقانه، منصفانه و معقول در اجرای قرارداد» معنا شود، می‌توان آن را پایهی «لزوم فوریت اجرای تعهد» دانست، زیرا حسن نیت، نه تنها لزوم وفاداری به مفاد صریح قرارداد که روح و هدف اصلی معامله (که معمولاً اجرای فوری آن است) را به میان می‌آورد و اطراف قرارداد را ملزم می‌سازد که تعهدات خود را به‌هنگام و بدون تأخیر به اجرا سپارد. اگر متعهد در اجرای تعهد قراردادی تأخیر ورزد، بسا زمینه‌ساز خسارت‌های اقتصادی و پیدایش مشکلات تجاری گردد و این نشانه‌ی فقدان حسن نیت شمرده می‌شود. پس می‌توان «حسن نیت» را پایگاه اجرای فوری تعهدات قراردادی گرفت.

۲-۳) مقایسه‌ی مستندات اصل فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه و یونیدرو

مستندات و مدارک «اصل فوریت اجرای تعهد» در فقه امامیه و مبانی نهفته در اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، بسی افزون‌تر و گسترده‌تر از توان و بیان این نوشته است، آن‌چه یادآوری گردید از باب نمونه بود، و دست‌کم دو تفاوت دریافت می‌شود:

۲-۳-۱) تفاوت در استناد به روایات: شاید نیاز چندانی به تذکر نباشد که در فقه امامیه، روایات یکی از مهم‌ترین منابع و مدارک احکام شمرده می‌شوند، در حالی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، روایات یا اصلاً پذیرفته نیستند و یا به روش فقهی مورد پذیرش نخواهند، بلکه آن‌ها را گاهی در نهایت به عنوان عرف خواهد دید.

۲-۳-۲) تفاوت در تأثیر قاعده‌ی سلطنت: غالب فقیهان امامیه، قاعده‌ی سلطنت انسان بر اموال و اعمال خویش را برآمده از دلیل نقلی می‌گیرند، ولی اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی آن را بدون تکیه به دلیل نقلی، برابند عرف‌ها و روش عقلایی می‌شمارد. این جاست میزان و معیار استفاده از این قاعده به عنوان مدرک احکام قانونی تفاوت خواهد کرد. به هر حال، بر فرض استفاده‌ی اصل فوریت از ماده‌ی ۱-۶ یونیدرو، دلیل آن، روش بازرگانان و تعهد ضمنی فوریت اجرای تعهد خواهد بود. می‌توان باور کرد: میان مستندات اصل فوریت اجرا، در فقه امامیه و یونیدرو نسبت عموم و خصوص من‌وجه برقرار است،

روایات را اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از مدارک اصل فوریت نمی‌شمارد، روش بازرگانان بدون بازگشت به سیره و بنای عقلا توسط فقیهان امامیه از مدارک اجرای فوری شمرده نمی‌شود، تعهد ضمنی را هر دو دسته پذیرا خواهند بود.

۳- شرط فوریت اجرای تعهد

با وجود اصل اجرای فوری تعهد، هرگاه در قرارداد، تصریح به تعجیل (فوریت) اجرای مورد تعهد گنجانده شود، این شرط تأکید «اصل» است یا می‌توان آن را شرط تاسیسی (نمایانگر مطلب تازه) شمرد؟

۱-۳) شرط فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه

به طور کلی، فقیهان امامیه پیرامون شرط تعجیل (فوریت) اجرای تعهد، سه دیدگاه دارند:

۱-۱-۳) تأسیسی بودن شرط تعجیل

گروهی از فقیهان بیان داشته‌اند: اطلاق قرارداد، ایفای فوری تعهد را می‌رساند، شرط فوریت، تأسیسی (مطلب افزون بر اصل) است. آن «مطلب افزوده» یکی از سه امر خواهد بود:

- سرعت اجرا پیش از مطالبه: شرط تعجیل، برای تسریع اجرای مورد تعهد قبل از مطالبه از سوی متعهدله است. هرچند وجوب ایفای آن، با اصل فوری اجرای تعهد سازگار بوده و نیازی به مطالبه ندارد (نجفی، ۱۴۰، ج ۲۳، ص ۹۸)، و یا خلاف فهم مشهور از شرط تعجیل است (انصاری ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۹۹)، ولی باید توجه داشت که شرط تعجیل به معنای تسریع اجرا قبل از مطالبه، همان متفاهم عرفی است و بسا تاجران، درخواست بعدی را خلاف شوکت یا فرصت‌شان می‌شمارند، لذا فوریت اجرا را ضمن قرارداد می‌آورند (سبحانی تبریزی ۱۴۱۴، ص ۶۴۹). معنای تأسیسی داشتن از آن جهت است که از دید این گروه، مفاد اطلاق عقد، «ایفای فوری تعهد پس از مطالبه» را می‌رساند، شرط تعجیل، معنای افزوده، یعنی انجام فوری تعهد قبل از مطالبه توسط متعهدله را نشان می‌دهد.

- سرعت اجرا پیش از فوریت عرفی: اصل اجرای فوری تعهد، خواستار ایفای فوری عرفی است. فوریت در عرف، زمان گسترده‌تری را فرا می‌گیرد، مانند انجام تعهد در شش ماه آینده، شرط تعجیل اجرا، نمایانگر آن است که متعهد زودتر از زمان فوریت عرفی، مورد تعهد



را انجام دهد. به علاوه، هر جا قرینه‌ی عرفی بر رضایت بقای موردهای تعهد نزد طرف دیگر وجود داشته باشد، شرط تعجیل، آن قرینه را بر می‌دارد (خویی ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۵۴۷ و ۵۴۸).

- **ثبوت خیار شرط:** شرط تسریع با تعیین وقت، پدیدآورنده‌ی «خیار شرط» برای متعهدله است که اگر متعهد در زمان معین مورد تعهد را اجرا نکند، متعهدله توان فسخ معامله را داشته باشد (شهید اول ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۲۶۵ و ۲۰۲).

۲-۱-۳) تأکیدی بودن شرط تعجیل

بنا بر باور مشهور فقیهان امامیه، شرط تعجیل، تأکید «اصل فوری اجرای تعهد» است. این شرط اصرار دارد که متعهد نباید در فوریت اجرا، تبلی و کاهلی ورزد (انصاری ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۹۸ و ۱۹۹. شهید ثانی ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۲۲۳).

۳-۱-۳) تفصیل میان انواع شرط تعجیل

برخی از فقیهان ماهر امامیه (اصفهان‌ی ۱۴۲۷ ج ۵، ص ۳۳۵. روحانی ۱۴۱۷، ج ۲۶، ص ۱۳۰ و ۱۳۱)، از جهت تأکیدی یا تأسیسی بودن تعجیل، میان موارد پنج‌گانه‌ی «شرط» تفاوت نهاده‌اند:

یکم: شرط تعجیل در قالب نتیجه: اطراف قرارداد شرط نمایند که به صرف تشکیل عقد، مفاد شرط (حق مطالبه‌ی مطالبه برای متعهدله) پدید آید. این شرط تأسیسی است، نه تأکیدی، زیرا فراتر از «بقای سلطنت مالک بر مال» را خواستار است و جداگانه قابلیت اسقاط را دارد.

دوم: شرط تعجیل در ایفا: در معامله شرط شود که متعهد، سریعانه مورد تعهد را انجام دهد، چه متعهدله آن را مطالبه کند یا ایفای تعهد را طلب نکند. چنین شرط تأسیسی است، زیرا اطلاق عقد به مدلول التزامی، خواهان ایفای فوری هنگام مطالبه بود. عدم ایفا هنگام عدم مطالبه، با سلطنت مالک، تنافی نداشت تا مزاحمت با تسلط مالک بر مال تحقق یابد. شرط تعجیل، سرعت فزون‌تر از سلطنت مالک را نشان می‌دهد.

سوم: شرط تعجیل اجرای تعهد در زمان معین: شرط شود که تعهد در زودترین زمان معین صورت گیرد، این شرط نیز تأسیسی است، زیرا فراتر از فوریت عرفی را می‌رساند.

چهارم: شرط تعجیل در نخستین زمان ممکن پس از مطالبه: اطراف توافق نمایند که هرگاه مطالبه صورت گرفت، در نزدیک‌ترین زمان ممکن ایفای تعهد انجام پذیرد. چنین شرطی از

جهت متعلق، تأکید اطلاق و از جهت حکم پدیدآورنده‌ی خیار برای متعهدله در صورت تخلف متعهد است.

پنجم: شرط عدم تأخیر در اجرا: یکی از اطراف معامله شرط نماید که دیگری در ایفای تعهد، تأخیر نرزد، این شرط، با چشم‌پوشی از لغویت، در نهایت تأکید اطلاق (عدم تأخیر) خواهد بود (اصفهان‌ی ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۳۳۵-۳۳۷).

با این همه، دیدگاه اول (تأسیسی بودن شرط تعجیل)، پذیرفتنی‌تر می‌نماید، زیرا: اولاً، «شرط تعجیل»، معنای جدید و فایده تازه‌ای را می‌نمایاند، مشهور فقیهان امامیه بارها اشاره داشته‌اند که «تأسیس» (گرفتن معنای استقلالی و تازه از سخن)، بهتر و پسندیده‌تر از معنای تأکیدی (اصرار بر معنای پیشین) است (انصاری ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۵۷۶). با تکیه به همین نکته است که برخی فقیهان، معنای تأسیسی را روشن‌تر در دید عرف دانسته و آن را در قراردادهای امروزی به ویژه در خرید سهام شرکت‌ها آشکارتر دیده‌اند (سبحانی تبریزی ۱۴۱۴، ص ۶۴۹). ثانیاً، بنا بر نظریه‌ی مشهور فقیهان امامیه، عرف در تشخیص معناها

و موضوعات عرفی (امضایی) مرجع است و معنا ندارد که شارع حکم را بر موضوع عرفی تعلق داده باشد و از آن معنای غیر متفاهم عرفی را مراد کرده باشد (سیفی ۱۴۲۹، ص ۳۲۱ و ۳۲۲)، زیرا مخاطب شارع مردم هستند و فهم مخاطبان ملاک است، بلکه «مرجعیت عرف» اصل کلی در شریعت شمرده می‌شود (انصاری ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۷۶). نگاه به رفتار خردمندان در معاملات و شروطشان نشان می‌دهد که هرگاه «اجرای فوری تعهدات قراردادی» در دایره‌ی شرط قرار گیرد، مراد آنان «اجرای فوری‌تر از فوریت عرفی بدون آن شرط» است. نیازی به گفت‌وگو ندارد که تا هنگامی که دلیل استواری بر خلاف رفتار عرفی یافت نشود، معیار تشخیص در رفتارهای عرفی، عرف مردم است.

۲-۳) شرط فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی نیز احتمال «تأکیدی بودن» و «تأسیسی بودن» شرط اجرای فوری تعهدی قراردادی دریافت می‌شود:



۱-۱-۳) تأکیدی بودن شرط فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

ماده‌ی ۹-۱ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، در وادی عرف‌های تجاری و رویه‌ها مقرر داشته است: «(۱) طرفین ملزم به رعایت هر عرف تجاری توافق شده و هر رویه‌ای هستند که بین خود برقرار ساخته‌اند؛ (۲) طرفین ملزم به رعایت عرفی تجاری هستند که در تجارت بین‌المللی، از سوی طرفین در تجارت خاص مورد نظر، به طور گسترده‌ای شناخته شده است و به طور منظم رعایت می‌شود، مگر در موردی که اعمال چنان عرفی غیرمتعارف باشد». از این ماده دریافت می‌شود که گاه «اجرای فوری تعهد» از عرف و رویه‌ی تجاری بر می‌خیزد. در این صورت، «شرط فوریت اجرای تعهد از سوی اطراف قرارداد»، تأکید آن عرف و رویه‌ی تجاری خواهد بود، نه آن‌که معنای افزوده و تازه را باردار باشد.

۱-۲-۳) تأسیسی بودن شرط فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

پاره‌ای فرازهای ماده‌ی ۱-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تأسیسی بودن شرط اجرای فوری تعهدهای قراردادی را آشکار می‌سازد، مانند: «... (ب) اگر مدت زمانی به طور قطع در قرارداد تعیین شده یا از قرارداد قابل احراز است، در هر زمانی در طی آن مدت زمان، مگر این‌که اوضاع و احوال دلالت بر این داشته باشد که قرار است طرف دیگر زمانی را انتخاب کند؛ (ج) در هر مورد دیگری، در طی زمانی متعارف پس از انعقاد قرارداد». این ماده، در حالت فقدان اوضاع و احوال، زمان اجرای تعهد را «در هر زمانی در طی آن مدت زمان» و «مدت زمانی متعارف پس از تشکیل قرارداد» کافی می‌شمارد. پس شرط فوریت، تأسیسی خواهد بود، چون اجرا بدون فاصله پس از انعقاد عقد لازم می‌سازد.

صحت و اعتبار شرط فوریت اجرای تعهد از امور ذیل مبنا و محتوا می‌گیرد:

اولاً، اصل آزادی قراردادهای اشخاص با رعایت نظم عمومی و اخلاق اجتماعی، در تعیین شکل و محتوای معقول قرارداد آزادی دارند. ماده‌ی ۱-۱، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی پیرامون اصل آزادی قراردادها مقرر داشته است: «طرفین آزادند که قراردادی را منعقد و محتوای آن را تعیین کنند» (UNIDROIT 2016,p7). در ماده‌ی ۲-۱ در مورد وابستگی نداشتن قرارداد به شکل خاص، می‌افزاید: «در هیچ‌یک از مواد این اصول مقرر نشده است که قرارداد، اظهارات، یا هر عمل دیگری به شکل خاصی صورت پذیرد و یا مدلل شود. موارد مذکور را به هر وسیله‌ای از جمله شهود می‌توان اثبات کرد» (UNIDROIT 2016,p8).

این ماده، وابستگی نداشتن قرارداد را به شکل خاص در قالب اصل قراردادی مطرح می‌سازد. پس اطراف قرارداد می‌توانند، قرارداد وابسته به هر شکلی تشکیل دهند و هر شرطی را که با نظم عمومی و اخلاق اجتماعی (قواعد امری) در نیویورک، در قرارداد بگنجانند. از آن میان، قرارداد را همراه با شرط «اجرای فوری» و بدون فاصله پس از اجرای عقد برگزار سازند. وانگهی، این شرط تأسیسی خواهد بود، زیرا بنا بر ماده‌ی ۱-۱-۶ یونیدروا «در هر زمانی در طی آن مدت زمان»، وسعت عرفی را نشان می‌دهد. شرط فوریت اجرا، معنای مستقلانه و جداگانه از آن، یعنی اجرای فوری را می‌نمایاند.

ثانیاً، اصل الزام‌آوری قراردادها: در ماده‌ی ۳-۱ آمده است: «قراردادی که به شکل معتبر منعقد می‌شود، برای طرفین الزام‌آور است؛ و فقط مطابق با شروط آن یا با توافق طرفین یا به نحو دیگری که در این «اصول» مقرر شده است، می‌توان آن را اصلاح کرد یا به آن خاتمه داد» (UNIDROIT 2016,p9). این ماده، قرارداد را برای اطراف آن همسان قانون الزام‌آور و دارای حتمیت پیروی معرفی می‌کند و شروط توافقی را الزامی می‌داند. بنابراین اگر در قرارداد شرط فوریت اجرا صورت گیرد، این شرط هم از محتوا و مبنای الزام بهره‌مند خواهد بود؛ وانگهی مطابق ماده‌ی ۱-۱-۶ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، اگر «اوضاع و احوال» دلالت بر اجرای فوری داشت، شرط فوریت، تأکیدی، وگرنه، تأسیسی خواهد بود.

ثالثاً، اعتبار صرف توافق: برای درستی و بازنگری و پایان‌دهی هر قرارداد، توافق محض اطراف عقد کفایت می‌کند و نیازی به امور دیگر نیست. در ماده‌ی ۲-۱-۳ یونیدروا آمده است: «یک قرارداد، به صرف توافق طرفین و بی‌هیچ اقتضای دیگری، منعقد و اصلاح می‌شود یا خاتمه می‌یابد». (UNIDROIT 2016,P95). بنابراین، صرف توافق اطراف معامله، بر شرط فوریت اجرای تعهد اعتبار دارد و نیازی به هیچ امری دیگری نیست. در این حالت، اگر عرف‌ها و رویه‌های تجاری (ماده‌ی ۹-۱ یونیدروا)، یا اوضاع و احوال (ماده‌ی ۱-۱-۶ یونیدروا) خواستار اجرای فوری تعهد قراردادی باشد، شرط فوریت اجرا را باید تأکیدی، وگرنه باید آن را تأسیسی شمرد.

البته، صراحت و یا ضمنی بودن شرط فوریت اجرا معتبر خواهد بود. در ماده‌ی ۱-۱-۵ یونیدروا پیرامون تعهدات صریح و ضمنی می‌خوانیم: «تعهدات قراردادی طرفین ممکن است صریح یا ضمنی باشد».

۳-۳) مقایسه‌ی شرط فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه و یونیدروا

چنان‌چه اشاره رفت: سه دیدگاه (تأسیسی، تأکیدی و تفصیل میان شرط اجرای تعهد: شرط فوریت انجام در قالب شرط نتیجه، ایفا، زمان معین، نخستین زمان ممکن پس از مطالبه‌ی اجرا و عدم تأخیر انجام) در فقه امامیه دیده می‌شوند و هر کدام دلایلی دارند، ولی دیدگاه مورد پذیرش‌تر آن است که شرط فوریت اجرا، تأسیسی باشد، چون بر مبنای بنای عقلا آشتی بیش‌تر دارد. از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، دو احتمال تأکیدی و تأسیسی را برداشت پذیر است. هرچند احتمال تأسیسی با متن یونیدروا سازگاری آسوده‌تر دارد.

شرط فوریت اجرای تعهد

منظرها	نظریه‌ها	فایده‌ها و دلایل‌ها	ملاحظات
فقه امامیه	تأسیسی بودن شرط تعجیل	- سرعت اجرا پیش از مطالبه؛ - سرعت اجرا پیش از فوریت عرفی؛ - ثبوت خیار شرط در هنگام تأخیر.	دیدگاه غالب: تأسیسی بودن شرط فوریت اجرای تعهد قراردادی.
	تأکیدی بودن شرط تعجیل	وجود اصل فوریت اجرای تعهد	دلیل: سازگارتر با دید عرفی و بنای عقلایی، به ویژه در معاملات امروزی.
	تفصیل میان انواع شرط	- شرط تعجیل در قالب نتیجه: تأسیسی؛ - در قالب ایفا با دلالت مطابقی: تأسیسی؛ - در زمان فوری‌تر از فوریت عرفی: تأسیسی؛ - در نخستین زمان ممکن پس از مطالبه: تأکیدی؛ - عدم تأخیر در اجرا: تأکیدی.	
اصول قراردادهای	تأکیدی بودن فوریت اجرا	برداشت فوریت از عرف و رویه‌های تجاری	سازگاری آسوده‌تر داشتن تأسیسی بودن شرط



تجاری بین‌المللی	تأکیدی بودن فوریت اجرا	- اجرای بدون فاصله‌ی گذر زمان پس از تشکیل قرارداد، با دلیل‌های ذیل: - اصل آزادی قراردادی؛ - اصل الزام‌آوری قراردادها؛ - اعتبار صرف توافق.	فوریت اجرای تعهد با متن یونیدورا
---------------------	---------------------------	--	-------------------------------------

۴- نقش مطالبه‌ی اجرا در اصل فوریت اجرای تعهد

در تحلیل «اصل اجرای فوری تعهد»، این پرسش پدیدار می‌شود که مراد از فوریت ایفا، اجرای فوری تعهد پس از تشکیل قرارداد و پیش از مطالبه‌ی متعهدله است و یا مقصود اجرای فوری پس از درخواست متعهدله می‌باشد؟

۴-۱) نقش مطالبه در فوریت اجرای تعهد در فقه امامیه

فقیهان امامیه در عقود امانی، مطالبه‌ی را تأثیرگذار در فوریت دانسته‌اند (شهید ثانی ۱۴۱۳، ج ۵، ص ۲۹۰)، ولی در سایر قراردادها دو گرایش دارند:

۴-۱-۱) دخالت مطالبه در فوریت اجرای تعهد

پاره‌ای از فقیهان باورمندند که اصل اجرای فوری تعهد، پس از مطالبه‌ی ایفا جریانگاه می‌یابد (علامه حلی ۱۴۱۴، تذکره الفقهاء، ج ۱۱، ص ۲۵۱. انصاری ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۱۹۹) و پیش از آن متعهد ملزم به ایفای تعهد نیست. برای استواری باورشان به امور ذیل استدلال کرده‌اند:

اولاً، نهفتگی مطالبه در معنای فوریت: با نگاه عرفی فهم می‌شود که فوری بودن ایفای تعهد (بنا بر مقتضای عقد) اجرای آن پس از درخواست ایفا از سوی متعهدله است، نه فعلیت اجرا بدون مطالبه.

ثانیاً، فقدان دلیل: از جانب آنان استدلال شده است: بقای مال مورد تعهد، نزد متعهد به معنای تصرف بدون قانونی و مالکی در مال یادشده نیست، دلیلی ندارد که بدون طلب، مال دیگری به او برگردانده شود. بر متعهد، امتناع از تسلیم مورد تعهد حرام است، و وجوب تحویل منوط به مطالبه‌ی متعهدله می‌باشد (امامی خوانساری ۱۴۱۳، ص ۵۶۱). همان گونه

که فقیهان در پاره‌ی عقود، مانند ودیعه، تصریح به «وجوب برگرداندن مال در صورت مطالبه» دارند (سیستانی ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۱۹۷).

۲-۱-۴) عدم دخالت مطالبه در فوریت اجرای تعهد

گروهی از فقیهان اصرار دارند که اصل اجرای فوری تعهد، به معنای ایفای مفاد قرارداد پس از تشکیل عقد است، مطالبه در آن دخالتی ندارد و دلیل آورده‌اند:

اولاً، مطلق بودن وظیفه‌ی متعهد به برائت عهده: تعهد متعهد به اجرای تعهد مطلق بوده و وابسته به مطالبه نیست، باید متعهد بدون درخواست اجرای مورد تعهد از سوی متعهدله، فراغت ذمه حاصل کند. تنها در صورت علم به رضایت متعهدله در بقای مورد تعهد نزد متعهد، تأخیر روا خواهد بود، عدم مطالبه کاشفیت از رضایت به تأخیر ندارد (خویی ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۵۴۷).

ثانیاً، روا نبودن بقای مال دیگری نزد آدمی: بقای مال مردم نزد انسان بدون اذن قانونی یا مالکی روا نیست. با انجام معامله، مورد، ملک دیگری می‌گردد، بدون علم به رضایت مالک، روا نیست که نزد متعهد باقی بماند، پس باید آن را زودتر و حتا اگر مطالبه صورت نگیرد، به مالک تسلیم نمود. اگر برخی از فقیهان، فوریت اجرا را مقید به مطالبه کرده‌اند، از آن روست که «عدم مطالبه» کاشف از رضایت متعهدله به تأخیر تسلیم بوده است (امامی خوانساری ۱۴۱۳، ص ۵۶۱).

۲-۴) نقش مطالبه در فوریت اجرای تعهد در یونیدروا

به نظر می‌رسد که اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، «مطالبه‌ی ایفا» را در «فوریت اجرای تعهد»، دارای نقش گسترده‌تر می‌داند، زیرا ماده‌ی ۲-۲-۷ یونیدروا که «احکام اجرای تعهدات غیر پولی» را بیان می‌کند، در صورت کوتاهی طرف، سخن از «مطالبه‌ی اجرای تعهد» دارد. ماده‌ی ۲-۳-۷ یونیدروا در عنوان «اخطار خاتمه‌دادن به قرارداد» آمده است: «حق یک طرف برای پایان‌دادن به قرارداد، با ارایه‌ی اخطار به طرف دیگر اعمال می‌شود» (UNIDROIT 2016,p256). اعمال حق پایان‌دهی و فسخ عقد را منوط به «اخطار رسمی» قبلی کرده و اخطار را از تکالیف متعهدله شمرده است. در واقع، حق او بر زوال‌دهی عقد، پس از اخطار مطالبه، رسمیت می‌یابد. م ۳-۸ تهاتر را منوط به ارسال اخطار کرده است:



«حق اعمالِ تهاتر با ارسال اخطار برای طرف دیگر صورت می‌گیرد». ماده‌ی ۴-۸ یونیدروا پیرامون محتوای اخطار، احکامی را مقرر داشته است.

از این همه، هرچند در موارد گوناگون، می‌توان «اهمیت نقش مطالبه» را در «فوریت اجرای تعهد» برداشت داشت و به این حکم کلی دست یافت که پیش از مطالبه‌ی متعهدله، اجرای تعهد از سوی متعهد، فوری نیست و فوریت اجرا پس درخواست و دستور در ظرف مهلت معقول (به استثنای موارد خاص) ایفا آغاز می‌شود.

۲-۴) مقایسه‌ی نقش مطالبه در فوریت اجرای تعهد از نظر فقه امامیه و یونیدروا نقش مطالبه‌ی اجرا در اصل فوریت اجرای تعهد

منظرها	نظریه‌ها	دلایل‌ها	ملاحظات
فقه امامیه	دخالت مطالبه در فوریت اجرای تعهد	- فهم عرفی در فوریت اجرا پس از مطالبه‌ی ایفا؛ - فقدان دلیل بر فوریت اجرا بدون مطالبه‌ی ایفا.	دو دیدگاه نقش و فقدان نقش طلب ایفا در فوریت اجرا از سوی فقیهان امامیه، آشکارا دریافت می‌شود، ولی یونیدروا تأکید بر نقش مؤثر مطالبه در فوریت اجرا دارد.
	عدم دخالت مطالبه در فوریت اجرای تعهد	- مطلق بودن وظیفه‌ی متعهد به برائت عهده - روا نبودن بقای مال دیگری نزد آدمی	
اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی	نقش مؤثر مطالبه‌ی ایفای تعهد در فوریت اجرای تعهد قراردادی	- متکی بودن مطالبه‌ی اجرای تعهد هنگام کوتاهی متعهد؛ - لزوم اخطار در خاتمه‌دادن قرارداد؛ - منوط بودن تهاتر (مجرای) بر ارسال اخطار؛ - بیان احکام محتوای اخطار.	

در فقه امامیه، دست‌کم دو دیدگاه تأثیر و عدم تأثیر «مطالبه‌ی ایفای تعهد از سوی متعهدله در اجرای فوری تعهد» مطرح است؛ ولی از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، تأکید بر دخالت مطالبه انجام مورد تعهد در فوریت اجرای تعهد دریافت می‌شود.

۵- اجرای زودهنگام تعهد

گاه متعهد، زودتر از زمان توافقی و عرفی اجرای تعهد به ایفای آن اقدام می‌کند و تلاش دارد که مدیون شخصی نباشد. این حالت «اجرای تعهد پیش از موعد» نامیده می‌شود. در هنگام تعیین زمان اجرای تعهد، آیا متعهد می‌تواند پیش از موعد به اجرای تعهد پردازد؟ بایسته است دیدگاه فقیهان امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در این زمینه به خوانش و سنجش رود:

۱-۵) اجرای زودهنگام تعهد در فقه امامیه

فقیهان امامیه در زمینه‌ی لزوم و عدم لزوم پذیرش اجرای پیش‌هنگام تعهد از سوی متعهدله، دیدگاه‌های گوناگون دارند:

۱-۱-۵) موظف نبودن متعهدله به دریافت زود هنگام مورد تعهد

دیدگاه مشهور فقیهان امامیه آن است: متعهد نمی‌تواند زودتر از موعد به اجرای تعهد پردازد، اگر چنین اقدامی نماید، متعهدله می‌تواند از دریافت آن امتناع ورزد، حتا اگر اجرای پیش‌هنگام، هیچ زیانی برای او یا هیچ غرضی برای هر دو طرف نداشته باشد (علامه حلی ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۰۶ و ۵۵). افزون بر اجماع (طباطبایی کربلایی ۱۴۱۸، ج ۸، ص ۳۳۶)، دلایلی برای آن بیان داشته‌اند:

دلیل اول: پیدایش منت: اجرای پیش‌هنگام همسان افزایش رایگان همراه با منت‌گزاری است و نباید متعهدله را وادار به پذیرش منت کرد (علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۵۳). اگر متعهد قبل از سررسید اجرا، به ایفای تعهد پردازد، به معنای آن خواهد بود که لطف و کمکی به متعهدله رسانده است، و این نوعی منت بر وی خواهد بود. در وادی معاملات باید به کاربست واقعیت‌ها توجه داشت، و داربست‌های منت‌ها را فرو بست.

در نقد این دلیل آورده‌اند: اولاً، تفاوت میان دو تسلیم: پرداختن مال افزوده‌ی رایگان و تسلیم زود هنگام مورد تعهد تفاوت دارند، اولی، در زمره‌ی «هبه» است، به پذیرش طرف بستگی دارد، این‌جا متعهد از حق خود (تأجیل) دست بر می‌دارد، مورد تعهد مؤجل، مورد تعهد حال می‌شود. وانگهی، همان‌گونه که در تسلیم مورد تعهد معجل، متعهدله موظف بر پذیرش بود، در اجرای تعهد زود هنگام هم ملزم به قبول است (موسوی خوانساری ۱۳۵۵،

ج ۳، ص ۱۸۷). ثانیاً، تفصیل میان منت و غیر منت: لازمه‌ی دلیل یادشده، آن است که اگر تسلیم زودتر از موعد، همراه با منت نباشد، پذیرش آن بر متعهدله واجب خواهد بود. اجرای زودتر از موعد، غالباً همراه با منت بر متعهدله نیست، بسا فایده‌ی متعهد را تأمین می‌کند که کم‌ترین آن رهایی از دلهره‌ی اجرا و سنگینی تعهد می‌باشد (یزدی ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۸).

دلیل دوم: تغییر مورد تعهد: مورد تعهد، مرکب از «شیء» و «مدت» (شیء مؤجل) بوده، اجرای آن پیش از زمان، بر موضوع تعهد همسانی ندارد (تسلیم ناقص است) و یا آن‌که دلیلی بر لزوم قبول وجود ندارد (آخوند خراسانی ۱۴۰۶). اجرای تعهد در صورتی کامل خواهد بود که در زمان خود آن ایفا شود، نه زود هنگام. انجام تعهد قبل از موعد، همسان چیدن میوه نارسیده، بی‌فایده است و اساساً چیدن میوه صدق نمی‌کند.

این دلیل مورد نقد است: مدت، مورد تعهد را مرکب نمی‌سازد، بلکه «مؤجل» همان دین حال است که تأدیه‌ی تأخیر در آن وجود دارد (روحانی ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۴۶۵). اساساً، عقد مالی (بیع) مؤجل، به معنای «تبادل فعلی موردها با تأخیر اجرای تعهد در زمان تعیین شده» است (اصفهان‌ی ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۳۳۴). یعنی قید، مربوط به زمان و روش اجراست، نه مربوط به مورد تعهد. به علاوه، نفس قرارداد، دلیل بر لزوم دریافت مورد تعهد است.

دلیل سوم: تضمین حق متعهدله: تأجیل، همان گونه که حق متعهد است، متضمن حق متعهدله هم خواهد بود، زیرا متعهدله می‌خواهد از راه تأجیل، متعهد را وادار کند که در مدت معین، مال او را در ذمه‌ی خود حفظ نموده و به مثابه‌ی ودعی (امانت‌دار) باشد و چنین حقی را عرف برای متعهدله ثابت می‌داند. با وجود حق و نفع متعهدله در تأجیل، نمی‌توان با اقدام زود هنگام متعهد، او را وادار به دست‌برداری از حق خود و پذیرش مورد تعهد کرد (انصاری ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۱۲. امام خمینی ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۵۱۴).

در نقد آن نوشته‌اند: دلیل یادشده مستلزم آن است که اجرای تأخیر در هر معامله، همیشه متضمن دو حق (حق متعهدله و حق متعهد) است، در حالی که همیشه و همه‌جا این گونه نیست. ظاهر اهل عرف آن است که «تأجیل» را تنها حق متعهد (مشتری) می‌بینند (نه حق هر دو). هنگامی که متعهدله، حقی در «گذشت زمان معین» نداشته باشد، نمی‌تواند از تسلّم



تأییدی متعهد خودداری ورزد. تنها در هنگامی توان امتناع از پذیرش اقدام زودهنگام متعهد را خواهد داشت که تصریح به حق او شده باشد (ایروانی ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۷۹).

۲-۱-۵) موظف بودن متعهدله به دریافت زود هنگام مورد تعهد در هنگام ضرورت
پاره‌ای از فقیهان، تصریح کرده‌اند: در قراردادهای مؤجل، متعهدله، پیش از سررسید مدت، ملزم به دریافت مورد تعهد نیست، مگر آن‌که ضرورتی غیر آسیب‌زننده به متعهدله فرا رسد، مانند: مسافرت ضروری برای متعهد. در این صورت، متعهدله باید مورد تعهد را دریافت دارد، اگر او پذیرای دریافت نشود، متعهد می‌تواند مورد تعهد را به حاکم بسپارد (اصفهانی ۱۴۲۳، ص ۴۶۶).

در توضیح این نظر، می‌توان بیان داشت که نفس انجام تعهد و برائت ذمه همیشه ضرورت دارد، اگر بدون ضرورت دیگر، تنها برای رهایی از بار تعهد، اقدام زودتر صورت گیرد، هم باید دریافت را (جهت ضرورت برائت ذمه و تأمین هدف متعهدله) لازم دانست. گذشته از آن که در یکی از نظریه‌ها، دریافت مورد تعهد، «احوط» است، اگر زیانی برای متعهدله نداشته باشد (مقدس اردبیلی ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۳۴).

۳-۱-۵) تفصیل وظیفه‌ی متعهدله به دریافت زود هنگام مورد تعهد
لزوم و عدم لزوم پذیرش متعهدله در اجرای زود هنگام، از موارد امور تعبدی نیست، بلکه از «شیوه و ماهیت شرط تأخیر اجرا در مقام ثبوت» تأثیر می‌پذیرد (اراکی ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۳۳۴). این شرط در عالم ثبوت سه تصویر دارد:

اول: شرط تأجیل به نفع متعهد: هنگامی که هدف تأجیل، توسعه و فرصت‌سازی برای آمادگی متعهد باشد، با اجرای زود هنگام مورد تعهد، متعهدله، راهی جز پذیرش ندارد، زیرا مورد تعهد مال متعهدله است، و متعهد، موظف به حفظ مال دیگری نیست. اجرای مورد تعهد قبل از موعد، رساندن مال به صاحب مال است، منتی هم وجود ندارد.

دوم: شرط تأجیل به نفع متعهدله: متعهدله در تأخیر اجرا، نفعی داشته باشد، مانند: ایمن بودن مال از سرقت، در این حالت، متعهد نمی‌تواند به اجرای پیش از هنگام پردازد، اما اگر او زودتر از موعد تعهد را مطالبه کند، متعهد باید آن را در فوریت عرفی ایفا کند، وانگهی نمی‌تواند از پذیرش مورد اجرا امتناع نماید.



سوم: شرط تأجیل به نفع هر دو: هر چند در این حالت، هیچ‌کدام نمی‌تواند دیگری را به قبول یا اجرای مورد تعهد وادارد، ولی، اگر متعهدله، مورد تعهد را مطالبه کند، و متعهد اقدام به اجرا نماید، او نمی‌تواند پذیرای قبول نگردد، زیرا از حق خود گذشته و مورد تأجیلی به مورد فعلی تبدیل گردیده است.

در عالم ثبوت و نظر، هر چند سه حالت تصویر می‌شود، اما در عالم اثبات و واقعیت، شرط تأخیر اجرا به نفع متعهد است. ارتکاز عموم متعارف نزد مردم آن است که مقصود از شرط تأجیل، توسعه و فرصت‌دهی بر متعهد برای آمادگی انجام مورد تعهد بوده است. بنابراین، بر متعهدله لازم است که اجرای زودهنگام مورد تعهد را بپذیرد و سخن پاره‌ای از اهل سنت درست است (خونی ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۵۶۵ و ۵۶۶. اراکی، محمد علی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۳۳۴). پاره‌ای از استادان حقوق هم به دیدگاه تفصیلی گرایش نموده، نوشته‌اند: «موعد اجرای تعهد، هرگاه به سود هر دو طرف باشد، مدیون نیز پیش از فرارسیدن آن حق اجرای تعهد را ندارد»، ولی افزوده‌اند که غالباً اجرای تعهد به سود مدیون است و «باید آن را در شمار اماره‌های قانونی آورد» (کاتوزیان ۱۳۹۲، ج ۴، ص ۵۹).

این دیدگاه به نظریه‌ی چهارم، (لزوم پذیرش مطلق دریافت مورد تعهد) باز می‌گردد. پس هرگاه توافق دو طرف یا قرینه و یا طبیعت معامله اجرای تعهد را به زمان معین، مقید نسازد، با اقدام متعهد به انجام، متعهدله توان رد تسلیم مورد تعهد را نخواهد داشت.

بایسته است اشاره شود، بحث پیشین را پاره‌ای از فقیهان در باب بیع و تأجیل ثمن مطرح کرده‌اند، ولی اختصاص به آن ندارد، زیرا مرسوم است که فقیهان قواعد کلی را در کتاب بیع طرح و در سایر باب‌ها جریان می‌دهند، چنانچه برخی از آنان، مطالب مزبور را در باب دین و قرض و رهن آورده‌اند. باید افزود: پیرامون جواز اسقاط حق تأجیل از سوی متعهد و روایی مطالبه از جانب متعهدله، فقیهان موارد و دلایلی را آورده‌اند (روحانی ۱۴۳۵، ج ۲۶، ص ۱۴۹) که فراتر از فرصت و موضوع این نگاهشته است.

۴-۱-۵) موظف بودن متعهدله به دریافت زود هنگام مورد تعهد

برخی از فقیهان امامیه، یادآور شده‌اند: در معاملات مؤجل، متعارف میان مردم، آن است که «تأجیل» حق متعهد است، خلاف آن قرینه می‌طلبد. اگر متعهد پیش از سررسید، مورد تعهد را انجام دهد،



متعهدله ملزم به پذیرش است (روحانی ۱۴۲۹، منهاج الفقاهه، ج ۶، ص ۴۶۶). هرگاه اطراف قرارداد، توافق تصریحی به عدم اجرای قرارداد پیش از فرا رسیدن موعد داشته باشند یا طبیعت معامله به گونه‌ی باشد که مورد تعهد تنها در هنگام خاص قابلیت اجرا را دارد، مانند: بلیت مسافرت قطار، هر دو طرف ملزم به رعایت آن هستند، ولی در سایر موارد تأجیل، متعهدله حق خودداری از پذیرش تسلیم مورد تعهد را ندارد. علاوه بر نقد دلیل‌های دیدگاه نخست، این دیدگاه بر دلایل ذیل استوار است:

دلیل اول: فقدان حق امتناع: نهایت توان تأجیل، ممانعت از اعمال سلطنت متعهدله در همان مدت است. او نمی‌تواند در زمان تعیین شده به مطالبه‌ی مورد تعهد از متعهد پردازد، افزون از «حقی در ذمه‌ی متعهد»، حق دیگری برای متعهدله ایجاد نمی‌کند. بنابراین، با اقدام متعهد به اجرای زود هنگام، او حقی در امتناع ندارد (اصفهان‌ی ۱۴۲۷، ج ۵، ص ۳۴۱).

دلیل دوم: تأمین هدف متعهدله: مقصود متعارف متعهدله از تشکیل قرارداد، دستیابی به موضوع تعهد است، با اقدام زودتر متعهد، زودتر از موعد به هدف خویش می‌رسد، با تأمین هدف، دلیلی بر امتناع از دریافت وجود ندارد.

دلیل سوم: رعایت انصاف: با اقدام پیش از موعد، متعهد از دلهره و بار سنگین تعهد رهایی می‌یابد، سپردن بار تعهد و برائت ذمه، زندگی را آسوده‌تر می‌سازد. اگر متعهدله بدون دلیل متعارف از دریافت مورد تعهد، خودداری کند، خلاف انصاف، بلکه به اضرار متعهد پرداخته است.

بر فرضی که پذیرش اجرای زود هنگام بر متعهدله واجب نباشد، او در تمام دیدگاه‌ها اختیار قبول آن را دارد، این قبول، به آن معنا نیست که اگر متعهدله در قبال تأخیر، حقی داشته باشد (یا تعهد مؤجل او هم در فقه پذیرفته شود)، آن حق زوال یابد، زیرا حق او توسط قرارداد ثابت شده و دریافت تعهد پیش از موعد، سبب نابودی حق او نیست. شاید بتوان عبارت یکی از فقیهان را شاهد بر آن گرفت (محقق کرکی ۱۴۱۴، ج ۵، ص ۴۱).

۱-۵) اجرای زود هنگام تعهد در یونیدروا

ماده‌ی ۵-۱-۶ یونیدروا بیان کرده است: «(۱) ذی نفع می‌تواند اجرای پیش از موعد تعهدات را رد کند، مگر این که هیچ نفع مشروعی در انجام این کار نداشته باشد؛ (۲) قبول اجرای پیش از موعد، از سوی یک طرف بر زمان اجرای تعهدات خود او مؤثر نیست، مشروط بر این که زمان مزبور بدون توجه به اجرای تعهدات طرف دیگر تعیین شده باشد...». ماده‌ی یادشده، به بیان چند حالت پرداخته است:

۱-۱-۵) حق رد اجرای تعهد زود هنگام

هرگاه زمان اجرای تعهد، با توافق یا طبیعت معامله و یا عرف تجاری همراه با تأخیر باشد، متعهد اقدام به اجرای زود هنگام تعهد نماید، متعهدله حق دارد که آن را نپذیرد. بسا «زمان اجرای تعیین شده» با «فعالیت‌های متعهدله» ارتباط دارد و دارنده‌ی حق با سنجش نفع خویش آن زمان را تعیین کرده یا خود را برای دریافت آن زمان آماده ساخته است و یا دریافت پیش از موعد به زیان او می‌انجامد و نمی‌تواند بهره‌ی بهینه از آن داشته باشد. این جاست که برای متعهدله، «منفعت مشروع در رد اجرای تعهد زود هنگام» تصویر می‌شود به گونه‌ای که اجرای تعهد پیش از موعد، «عدم اجرای تعهد قراردادی» به شمار می‌رود.

۱-۲-۵) وابسته بودن حق رد اجرای تعهد زود هنگام به فقدان نفع مشروع

در پاره‌ی موارد، پذیرش اجرای تعهد زود هنگام، «نفع مشروعی آشکار» را از متعهدله برنمی‌اندازد و یا این پذیرش، «زیان مهم» برای او پدید نمی‌آورد. اگر متعهد بتواند یکی از دو صورت را اثبات کند، متعهدله حق رد اجرای پیش‌هنگام تعهد را نخواهد داشت و باید آن را بپذیرد (مؤسسه‌ی بین‌المللی یک‌نواخت کردن حقوق خصوصی ۱۳۹۶، ص ۲۴۰ و ۲۴۱).

تأثیر نداشتن پذیرش اجرای تعهد پیش از موعد بر تعهد متعهدله: پذیرش اجرای زود هنگام تعهد از سوی متعهدله، سبب نمی‌شود که او هم باید زودتر از زمان تعیین شده، برای اجرای تعهد خود اقدام کند؛ یعنی پذیرفتن انجام پیش از موعد تعهد، مساوی با دست برداشتن از «زمان توافقی قبلی» نیست. اگر یک طرف قرارداد، اقدام پیش از موعد طرف دیگر را پذیرفت، به این معنا نیست که خود او در برابر آن طرف، ملزم به اجرای زودتر از هنگام گردد، زیرا «زمان‌ها» با هم ارتباطی ندارند و زمان اجرای قبلی هم‌چنان باقی است. البته، «اجرای تعهدات با ارتباط زمانی» فراتر از دامنه‌ی ماده‌ی مزبور است، و وضعیت‌های گوناگونی را فراهم می‌سازد که متعهدله می‌تواند از «حفظ حق‌های قانونی در عدم اجرای تعهدات» بهره‌برگیرد. برای مثال، در قراردادی، توافق کرده‌اند که یک طرف کالاهایی در ۱۰/۱۵ امسال تحویل دهد، طرف دیگر در ۱۰/۲۰ همان موعد، بهای آن را پرداخت کند. متعهد، زودتر از موعد، در اول ماه پنجم امسال اقدام به تسلیم کالاها نمود، طرف دیگر می‌تواند آن را رد کند یا به شرط پرداخت بهای آن در موعد توافقی قبلی (۱۰/۲۰ سال جاری) بپذیرد و یا تصمیم گیرد که با تسلیم کالاها، بهای آن‌ها را بپردازد (همان، ص ۲۴۲ و ۲۴۳).



بایسته‌ی یادآوری است که دلیل پذیرش زود هنگام اجرای تعهد را می‌توان در حقیقت «تکلیف متعهدله به همکاری»، مطالعه نمود. قرارداد، رابطه‌ی حقوقی دو جانبه و برای تأمین اهداف و منافع متعارف دو طرف تشکیل می‌شود. متعهدله، تنها «حق مطالبه و نظاره‌گری» ندارد، بلکه بر اساس ماده‌ی ۳-۱-۵ یونیدروا، مکلف به «همکاری معقول و متعارف مورد انتظار» است. پذیرش پیش از موعد، هم نشانه‌ی «همکاری» و نپذیرفتن آن نمایانده‌ی شکستن تعهد به همکاری خواهد بود.

در مورد اجرای زود هنگام تعهدات پولی، ماده‌ی ۹-۱-۶، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی بیان داشته داشته است: «...۳) پرداخت به واحد پول محل پرداخت باید مطابق با نرخ تبدیل عملی معمول در زمان فرارسیدن موعد پرداخت صورت پذیرد. ۴) اما اگر متعهد در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده است، [مبلغ تعهد را]، نپردازد، ذینفع تعهد می‌تواند پرداخت بر طبق نرخ تبدیل عملی معمول در زمانی که موعد پرداخت فرا رسیده است یا در زمان پرداخت واقعی را درخواست کند.

۳-۵) مقایسه‌ی اجرای زود هنگام تعهد در فقه امامیه اصول یونیدروا

مقایسه میان فقه امامیه و اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی از جهت‌های ذیل اشاره شدنی است:

اولاً، تفاوت در گستره‌ی ردّ اجرای پیش‌هنگام تعهد: فقیهان امامیه در «پذیرش اجرای زود هنگام تعهد» دست‌کم به چهار دیدگاه گرویده‌اند و از دید مشهور فقیهان پیشین جعفری، متعهدله حق دارد، اجرای زود هنگام تعهد را نپذیرد. اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی، هم صریحاً ردّ پذیرش اجرای پیش‌هنگام تعهد را از «حقوق مشروع متعهدله» شمرده است. با این تفاوت که مشهور فقیهان پیشین امامیه، این حق را آزاد از هر قید (حتا اگر پذیرش به نفع متعهدله باشد) دانسته‌اند و یونیدروا آن را منوط به «فقدان نفع مشروع» کرده است، پس این جا نسبت عموم و خصوص مطلق می‌باشد.

ثانیاً، تفاوت در گستره‌ی پذیرش اجرای پیش‌هنگام تعهد: گروهی از فقیهان عصر کنونی امامیه، به «ملزم بودن متعهدله به پذیرش اجرای زود هنگام مورد تعهد» گرایش یافته‌اند و «شرط تأخیر اجرا» را به نفع متعهد تفسیر کرده‌اند. اصول یونیدروا، هنگامی متعهدله را ملزم به پذیرش اجرای زود هنگام تعهد می‌داند که «نفع مشروع در رد» نداشته باشد. در این حالت،



هم نسبت عموم و خصوص مطلق است، زیرا فقیهان امروزی، الزام متعهده را آزاد از قید «فقدان نفع مشروع در رد» دیده‌اند.

ثالثاً، تفاوت در قید پذیرش اجرای پیش‌هنگام تعهد: دیدگاهی در فقه امامیه وجود دارد که متعهده ملزم به پذیرش اجرای زودهنگام در حالت ضرورت است، شاید از نگاه فقیهان، این حالت از «ارسال مُسَلِّمات» بوده، لذا به آن نپرداخته‌اند. در این حالت هم نسبت تباین خواهد بود، اصول یونیدروا «نبود منفعت مشروع متعهده» را معیار پذیرش گرفته است. این دیدگاه در فقه، ضرورت متعهد یا متعهده را مهم دیده است.

رابعاً، تفاوت در حالت پسا امتناع از پذیرش اجرای پیش‌هنگام مورد تعهد: بنا بر آن که متعهده در صورت لزوم پذیرش از دریافت مورد امتناع ورزد، نظر مشهور فقیهان، متعهد می‌تواند آن را وادار به پذیرش سازد یا مورد تعهد را نزد حاکم یا عدول مؤمنان گذارد، یونیدروا چنین جوازاها و فرصت‌هایی را بیان نکرده است. از آن رو که سکوت و بیان، نسبت تباین (وجود و عدم) دارند، پس نسبت در این حالت تباین می‌باشد. همین نسبت در صورت دیگر، عکس می‌شود: «تکلیف متعهده به همکاری در اجرای تعهد» مورد تأکید و تصریح اصول یونیدرواست، چنین تأکید و تصریحی در نگاه مشهور فقیهان امامیه مشاهده نگردید.

اجرای زود هنگام	- مشهور: موظف نبودن متعهده به دریافت زود هنگام مورد تعهد - موظف بودن متعهده به دریافت زود هنگام مورد تعهد در هنگام ضرورت - تفصیل دریافتی از شیوه و ماهیت شرط تأخیر اجرا به نفع یا عدم نفع متعهده - تمایل امروزی: موظف بودن متعهده به دریافت زود هنگام مورد تعهد	- حق رد اجرای تعهد زود هنگام - وابسته بودن حق رد اجرای تعهد زود هنگام به فقدان نفع مشروع	- عموم و خصوص مطلق با نظر مشهور و امروزی؛ - تباین با نظریه‌های تفصیل
-----------------	--	---	---

۱- بیان مفهوم اصل فوریت اجرای تعهد (مقتضای اطلاق عقد در نخستین زمان ممکن متعارف)، و واگذاری تعیین مصداق به عرف، از سوی فقیهان امامیه مزیت است، چنانچه یادآوری دو استثنای آن (فقدان توافق اطراف عقد بر زمان اجرا، و فقدان تعیین هنگام انجام توسط عرف)، برتری مباحث مفهوم اصل اجرای فوری تعهدهای قراردادی را نشان می‌دهد، در حالی که تصریح به ساختار مفهوم اصل مزبور و استثنای آن در اصول یونیدروا دیده نمی‌شود. شاید وجود دیدگاه‌های گوناگون کشورها پیرامون مفهوم اصل فوریت اجرا، اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی را از تعریف آن بازداشته است.

۲- استوارساختن اصل فوریت اجرای تعهد قراردادی بر روش بازرگانان، امتیازی است که با سرعت و وسعت معاملات و تعاملات بازرگانی امروزی سازگار می‌نماید. بهتر آن باشد که فقیهان امامیه، در مستندات این اصل، به عرف‌های تجاری و رویه‌های بازرگانی توجه بیشتری دهند و آن‌ها را اثربخش‌تر و کارا تر از «قاعده‌ی سلطنت» ملاحظه نمایند.

۳- تأسیسی دانستن شرط فوریت اجرای تعهد قراردادی که آسوده‌تر از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی دریافت می‌شود، با روند بازار معاملاتی بازرگانی امروزی زودتر ارتباط می‌گیرد و داوری عرف را به میان می‌آورد، تا تأکید بر تأکیدی بودن شرط تعجیل ایفا یا تفصیل‌های فلسفی فراتر از سقف بازار بازرگانان و بازرگانی که از سوی برخی فقیهان مطرح شده است.

۴- وابسته‌نساختن فوریت اجرای تعهد معاملاتی را بر «مطالبه‌ی ایفا» که مورد تمایل بیشتر فقیهان امامیه است، کارایی و پذیرایی گسترده‌تر با واقعیت‌های تجاری امروزی دارد، تا اسیرساختن آن به دام مطالبه‌ی ایفا از سوی متعهدله، آن هم با سفارش‌ها و اظهارهای رسمی که از اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی فهم می‌شود.

۵- در پذیرش «اجرای زود هنگام تعهد»، گرایش گروهی از فقیهان امروزی امامیه که آن را بر متعهدله واجب می‌دانند، پذیرفتنی‌تر می‌نماید، اگر این پذیرش، به «عدم زیان برای متعهدله» مقید گردد و «فقدان نفع مشروع در حق رد متعهدله» در اصول یونیدروا هم به «عدم زیان نامتعارف متعهدله» تفسیر شود، برای هر دو طرف (متعهد و متعهدله) بهتر خواهد بود.



فهرست منابع

قرآن مجید.

- ۱) آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۶)، حاشیه المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲) آل‌کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۴۲۲)، تحریر المجلة، قم، المجمع العالمي للتقريب.
- ۳) احمدی، حبیب طالب و دیگران (۱۴۰۲)، «بررسی مبنایی اصل حسن نیت در اجرای تعهدات قراردادی در بیع بین‌المللی کالا»، فصلنامه تعالی حقوقی، سال ۱۴، شماره ۱.
- ۴) اراکی، محمد علی (۱۴۱۵)، کتاب البیع، قم، اسماعیلیان.
- ۵) اشتهاوردی، علی پناه (۱۴۱۷)، مدارک العروة، تهران، دار الأسوة.
- ۶) اصفهانی، ابوالحسن (۱۴۲۳)، وسیلة النجاة، قم، شفق.
- ۷) اصفهانی، محمد حسین (۱۴۲۷)، حاشیه المکاسب، قم، ذوی القربی.
- ۸) امام خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۹) امامی خوانساری، محمد (۱۴۱۳)، الحاشیه علی المکاسب، قم، بی‌جا.
- ۱۰) انصاری، محمد علی (۱۴۱۵)، الموسوعة الفقهية المیسرة، قم، مجمع الفکر الإسلامی.
- ۱۱) انصاری، مرتضی (۱۴۱۵)، المکاسب، قم، کنگره.
- ۱۲) ایروانی، علی (۱۴۰۶)، حاشیه المکاسب، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۳) ایروانی، علی (۱۳۷۹)، حاشیه المکاسب، قم، کتبی نجفی.
- ۱۴) بجنوردی، حسن (۱۳۷۷)، القواعد الفقهية، قم، نشر الهادی.
- ۱۵) بحر العلوم، محمد (۱۴۰۳)، بلغة الفقيه، تهران، منشورات مکتبه الصادق.
- ۱۶) بهرامی احمدی، حمید (۱۳۹۰)، حقوق تعهدات و قراردادهای، تهران، دانشگاه امام صادق.
- ۱۷) تسخیری، محمد علی (۱۴۳۱)، القواعد الأصولية والفقهية، تهران، المعاونة الثقافية.
- ۱۸) جمعی از پژوهشگران، (۱۴۲۳)، موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
- ۱۹) حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد (۱۴۱۹)، مفتاح الكرامة، قم، مؤسسة النشر الإسلامی.
- ۲۰) حکیم، محسن (۱۳۷۴)، مستمسک، قم، دار التفسیر.
- ۲۱) خوئی سید ابوالقاسم (۱۴۱۷)، مصباح الفقاهة، قم، انصاریان.
- ۲۲) رشتی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۷)، فقه الإمامية، قسم الخيارات، قم، کتابفروشی داوری.
- ۲۳) روحانی، محمد صادق (۱۴۲۹)، منهاج الفقاهة، قم، أنوار الهدی.
- ۲۴) روحانی، محمد صادق (۱۴۳۵)، فقه الصادق، قم، آیین دانش.
- ۲۵) سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۴)، المختار في أحكام الخيار، قم، مؤسسة الإمام الصادق.
- ۲۶) سیستانی، علی (۱۴۱۵)، منهاج الصالحين، قم، مکتب آية الله العظمی السيد السیستانی.

- ٢٧) سيستاني، على (١٤١٥)، منهاج الصالحين، قم، مكتب آية الله.
- ٢٨) سيفي، على اكبر (١٤٢٩)، بدايع البحوث في علم الأصول، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ٢٩) شهيد اول، محمد (١٤١٢)، الدروس الشرعية، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ٣٠) شهيد ثاني، زين الدين (١٤١٣)، مسالك الأفهام، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- ٣١) شهيد تيريزي، مير فتاح، هداية الطالب إلى أسرار المكاسب، قم، دار الكتاب.
- ٣٢) شيرازي، محمد تقى (١٣٧٠)، حاشية المكاسب، قم، الشريف الرضي.
- ٣٣) صدر، محمد باقر (١٤٣٤)، موسوعة، قم، دار الصدر.
- ٣٤) طباطبائي قمى، تقى (١٤١٣)، عمدة المطالب، قم، محلاتي.
- ٣٥) طباطبائي كربلايي، على (١٤١٨)، رياض المسائل، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ٣٦) علامه حلي، حسن (١٤٢٠)، تحرير الأحكام، قم، مؤسسة الإمام الصادق.
- ٣٧) علامه حلي، حسن بن يوسف (١٤١٤)، تذكرة الفقهاء، قم، مؤسسة آل البيت.
- ٣٨) على (١٤٢٤)، ينابيع الأحكام، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ٣٩) فاضل، مقداد (١٤٠٤)، التقيح الرائع لمختصر الشرائع، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي. قزويني،
- ٤٠) كاتوزيان، ناصر (١٣٩٢)، قواعد عمومي قراردادها، تهران، شركت سهامى انتشار.
- ٤١) كاشف الغطاء، مهدي (١٤١٧)، مورد الأنام، نجف، مؤسسة كاشف الغطاء.
- ٤٢) كليني، محمد (١٣٨٧)، الكافي، قم، مؤسسه علمي فرهنگي دار الحديث.
- ٤٣) محقق كركي، على بن حسين (١٤١٤)، جامع المقاصد، قم، مؤسسة آل البيت.
- ٤٤) مرتضى زبيدي، محمد (١٤١٤)، تاج العروس، بيروت، دار الفكر.
- ٤٥) مقدس اردبيلي، احمد، مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسة النشر الإسلامي.
- ٤٦) مؤسسه ي بين المللي يك نواخت كردن حقوق خصوصي (١٣٩٦)، اصول قراردادهاى تجارى بين المللي، ترجمه و تحقيق: بهروز اخلاقي و فرهاد امام، تهران، شهر دانش.
- ٤٧) موسوي خوانساري، احمد (١٣٥٥)، جامع المدارك، تهران، مكتبة الصدوق.
- ٤٨) نجفي، محمد حسن (١٤٠٤ق)، جواهر الكلام، بيروت، دار إحياء التراث العربي.
- ٤٩) يزدي، سيد محمد كاظم (١٤١٠)، حاشية المكاسب، قم، اسماعيليان.

- 50) Cordero-Moss, Giuditta,(2011) Applicable Law, Boilerplate Clauses, International Commercial Contracts and The, Cambridge University Press.
- 51) UNIDROIT (2004) PRINCIPLES OF INTERNATIONAL COMMERCIAL CONTRACTS, Study L - Doc.
- 52) UNIDROIT (2016) PRINCIPLES OF INTERNATIONAL COMMERCIAL CONTRACTS.